

سناریوهایی برای آینده نوار غزه



دکتر منصور بروتی

ششمین عملیات زمینی ارتش اسرائیل در نوار غزه با نام «ارابه‌های گید عون ۲» از اواخر ماه گذشته میلادی آغاز شده است. اصلی‌ترین هدف این عملیات تصرف کامل شهر غزه و خارج کردن آن به طور کامل از اختیار حماس ذکر شده است، اما در توضیح بیشتر گفته شده «نابودی زیرساخت‌های نظامی و اداری حماس در داخل شهر غزه»، «وارد کردن خسارت جدی به شبکه تونل‌های این گروه»، و نهایتاً «آزادسازی اسیران اسرائیلی». نکته جالب توجه این است که ارابه‌های گید عون ۱ با اهداف تسلط بر غزه، انتقال جمعیت فلسطینی به جنوب و خارج کردن کمک‌های بشردوستانه از دست حماس و همچنین آزادی اسیران مدتی قبل شکست خورده بود. در طول عملیات ارابه‌های گید عون ۱ که از ۱۶ مه ۲۰۲۵ تا ۳ اوت ۲۰۲۵ (۸۳ روز) به طول انجامیده بود، ارتش اسرائیل به صورت رسمی کشته شدن ۵۰ نظامی خود را تأیید کرد. این درحالی است که نزدیک به دو سال از آغاز جنگ در غزه می‌گذرد و تحمیل ۵۰ کشته به اسرائیل در ماه‌های ۲۰۱۸ تا جنگ نشان از ناکارآمدی نسبی روند مدیریت جنگ در این باریکه دارد. با این وجود به نظر می‌رسد اگر بخواهیم سناریوهای آینده نوار غزه را مورد بررسی قرار دهیم، این آینده از ۵ حالت کلی خارج نیست؛ این ۵ حالت عبارتند از: «اشغال – الحاق نوار غزه»، «حاکمیت مدنی فلسطینی آلترناتیو»، «حاکمیت عربی – بین‌المللی»، «بازگشت تشکیلات خودگردان» و نهایتاً «طرح دونالد ترامپ برای غزه».

اشغال – الحاق نوار غزه

این سناریو به طیفی از گزینه‌ها تقسیم می‌شود که از اشغال نوار غزه و به قدرت رساندن یک حاکمیت اسرائیلی نظامی اشغالگر تا تلاش در راستای الحاق نوار غزه به رژیم صهیونیستی را در بر می‌گیرد. هر دو گزینه توسط برخی مقامات اسرائیلی مورد تصریح قرار گرفته است. در حال حاضر سیاست اعلامی اسرائیل در غزه، اشغال بخش شمالی این باریکه است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل فرمان اجرای این عملیات را به ارتش صادر کرده است. در این میان بتسلئیل اضموهریچ، وزیر دارایی راست‌گرای افراطی نیز اخیراً پیشنهاد کرده در صورتی که حماس خلع سلاح و آزاد کردن اسیران را نپذیرد، هر چند هفته اسرائیل اقدام به الحاق بخشی از نوار غزه کند. از بعد جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ تا سال ۲۰۰۵ که اسرائیل از غزه خارج شد، این باریکه در اشغال رژیم صهیونیستی بود.

چالش‌ها و پیامدها: هزینه انسانی و مالی هنگفت برای اسرائیل، کمبود شدید نیروی نظامی در ارتش اسرائیل، انزوای شدید بین‌المللی، رادیکال‌تر و ضد اسرائیلی‌تر شدن فلسطینیان و تبدیل شدن به یک جنگ فرسایشی بی‌پایان.

حاکمیت مدنی جایگزین با کنترل امنیتی اسرائیل

از ابتدای جنگ در غزه، بنیامین نتانیاهو اعلام کرده بود قصد ندارد پس از پایان جنگ اجازه بازگشت تشکیلات خودگردان به این باریکه را دهد و قصد دارد آینده متفاوتی رقم بزند. با گذشت نزدیک به دو سال از جنگ، اسرائیل این ایده را مدام تکرار می‌کند. از نظر اسرائیل این طرح مکمل طرح اشغال یا کنترل امنیتی است. بدین معنا که نتانیاهو تصور می‌کند می‌تواند با در اختیار گرفتن کنترل امنیتی در نوار غزه یک حاکمیت مدنی فلسطینی را با مشارکت مخالفان حماس ایجاد کند که در عین حال ارتباط و گرایش به تشکیلات خودگردان هم نداشته باشند. درحالی که گفته شده این کابینه از میان تکنوکرات‌های فلسطینی و تاجران مشهور تشکیل خواهد شد، اما عجلاتاً بخش‌هایی از این بدیل به طایفه یاسر ابوشیبا که در نوار غزه به قاچاق مشهور است، سپرده شده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، برداشت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره ایجاد یک حاکمیت مدنی در عین حفظ کنترل امنیتی توسط نظامیان صهیونیست بسیار خوش بینانه است،

زیرا چنین تجربه‌ای بدون دادن نقش به تشکیلات خودگردان بسیار دشوار است و احتمال دارد به سمت ایجاد حکومت نظامی اسرائیلی کشیده شود. **چالش‌ها و پیامدها:** بحران مشروعیت عمیق برای نهاد حاکم (که «دست‌نشانده» تلقی می‌شود)، ریسک بالای ترور اعضای آن، عدم پذیرش بین‌المللی و عربی و دشواری یافتن افراد معتبر برای همکاری و گرایش درصد بالایی از فلسطینیان به یکی از دو جناح فتح یا حماس.

مدیریت عربی – بین‌المللی

یکی از گزینه‌هایی که در طول دو سال گذشته، هم از سوی برخی مقامات اسرائیلی و هم برخی کشورهای عربی برای آینده نوار غزه مطرح شده، مدیریت مختلط عربی – بین‌المللی است. به عنوان مثال یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون اسرائیل خواستار واگذاری نوار غزه به مصر شده است (همچون سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۷). همچنین امارات متحده عربی در برهه‌ای از دو سال اخیر زمره‌هایی درباره طرح مدیریت عربی با نظارت بین‌المللی به نحوی که ابوطی نقش پررنگی در غزه داشته باشد، مطرح کرد و همچنین از محمد دهلان به عنوان گزینه این کشور برای اداره غزه سخن به میان آمد. همچنین برخی دولت‌های عربی و سازمان‌های بین‌المللی خواستار نقش آفرینی سه کشور مصر و امارات و عربستان سعودی برای یک دوره انتقالی شده‌اند. در این بین ریاض به کمک عربی، به عنوان یک عامل کمک‌کننده و پشتیبانی برای بهبود اوضاع می‌نگریست که قرار است به تشکیلات خودگردان کمک کند اما در عمل افراط‌گری‌ها و جنایت‌های جنگی اسرائیل و همچنین تداوم جنگ باعث شد تقریباً همه دولت‌های عربی از ایده همکاری برای بازسازی غزه عقب‌نشینی کنند.

چالش‌ها و پیامدها: ترس کشورهای عربی از گرفتار شدن در «باتلاق غزه» و مشروعیت بخشی به اقدامات اسرائیل، عدم قطعیت در پذیرش این نیروها توسط مردم و گروه‌های فلسطینی و مخالفت احتمالی ایران و متحدانش.

بازگشت تشکیلات خودگردان فلسطینی

اصولاً طبیعی‌ترین گزینه برای آینده نوار غزه پس از پایان جنگ، بازگشت حاکمیت تشکیلات خودگردان به این باریکه است. تشکیلات خودگردان به عنوان نماینده مستقیم اراده ملت فلسطین اگرچه با خلع جدی مشروعیت و محبوبیت روبه‌روست، اما در عرصه بین‌المللی دارای مشروعیت است. همچنین اختلافات حماس با این تشکیلات از سال ۲۰۰۷ به بعد اساساً قرار بوده موقتی باشد و چند بار دو طرف به نوعی مصالحه نزدیک شدند. به نظر می‌رسد بهترین سناریو در نبود احتمال توافق اسرائیل با حماس و عقب‌نشینی یک‌طرفه از نوار غزه، این سناریو است، زیرا از یک سو در نهایت یک حاکمیت فلسطینی به حساب می‌آید و از سوی دیگر این تشکیلات نیز علی‌رغم سازشکاری، ارتباطاتی با گروه‌های مقاومت دارد. همچنین به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل مخالفت اسرائیل با بازگشت تشکیلات خودگردان به غزه، این است که ضعف‌های ساختاری و اداری این تشکیلات نهایتاً باعث می‌شود همچون سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ این باریکه مجدداً برای رشد گروه‌های مقاومت آماده شود. همچنین قدرتمند شدن تشکیلات خودگردان دیگر بار انگیزه‌های آن برای تبدیل شدن به دولت مستقل فلسطینی را نیز زنده و جدی خواهد کرد و این امر مورد پسند تل‌آویو نیست.

چالش‌ها و پیامدها: مخالفت دولت‌فعالی اسرائیل، فقدان شدید مشروعیت تشکیلات خودگردان در میان فلسطینیان و ناتوانی امنیتی تشکیلات خودگردان در کنترل گروه‌های مسلح بدون حمایت خارجی، فساد اداری زیاد و ناکارآمدی.

طرح ترامپ

طرح مورد نظر دونالد ترامپ که با عنوان «ریویرای خاورمیانه» یاد می‌شود هنوز بسیار مبهم است و به صورت یک ایده حقوقی دارای چهارچوب منطقی مورد کاوش و تبیین قرار نگرفته است. اساس این طرح در چند

گزاره مشخص است: اولاً کاهش جدی جمعیت نوار غزه به گونه‌ای که دست‌کم ۳۰ درصد از جمعیت ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفری غزه از این باریکه خارج شوند. ثانیاً تبدیل کردن این باریکه یا بخش‌هایی از آن به یک منطقه تفریحی یا فناوری پیشرفته که قطعاً نیازمند زدودن هویت فلسطینی است و نهایتاً اینکه چنین طرحی نیازمند حضور دائمی اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها خواهد بود.

چالش‌ها و پیامدها: مخالفت جدی گروه‌های فلسطینی مختلف، مقاومت اهالی نوار غزه در برابر خروج علی‌رغم شرایط انسانی فاجعه‌آمیز، مخالفت کشورهای همسایه مانند مصر و اردن که باید پذیرای جمعیت فلسطینی خارج شده باشند، مخالفت بیشتر کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد.

توافق میان اسرائیل و حماس

این سناریو اگرچه در حال حاضر بسیار ضعیف می‌نماید، اما هرچه زمان بیشتری از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ می‌گذرد، شانس بیشتری پیدا می‌کند. از یک سو در طول زمان با افزایش خستگی و فرسودگی ارتش اسرائیل، تمایل به یک توافق جامع و عقب‌نشینی از غزه در میان فرماندهان اسرائیلی در حال افزایش است. همچنین جامعه اسرائیل نیز به شدت از جنگ خسته شده و به دلیل نگرانی‌هایی که نسبت به جان اسیران اسرائیلی باقی‌مانده در غزه دارد، امروزه دیگر اکثریت ۶۵-۷۰ درصدی جامعه در نظرسنجی‌های معتبر از یک توافق آتش‌بس جامع در ازای آزادی یکباره اسیران حمایت می‌کنند. این روند با عدم توفیق عملیات «ارابه‌های گید عون ۱» که در آن طی ۸۳ روز دست‌کم ۵۰ نظامی اسرائیلی کشته شد، تشدید شده است. گزارش اخیر آمان (اداره اطلاعات ارتش اسرائیل) از وضعیت گروه‌های مقاومت فلسطینی در غزه، حاکی از امیدواری بالای این گروه‌ها نسبت به حفظ توانمندی خود در سطح کنونی و خسته کردن ارتش اسرائیل و رساندن آن‌ها به تصمیم نهایی عقب‌نشینی است. در صورت عدم موفقیت جدی اسرائیل در تسلط بر نوار غزه در طول ماه‌های آتی با توجه به اینکه انتخابات آینده نیز باید تا اکتبر ۲۰۲۶ برگزار شود، رفته‌رفته احتمال جدی‌تر شدن این سناریو بیشتر هم خواهد شد.

فرجام سخن

با توجه به شواهد و سناریوهای مطرح‌شده، آینده نوار غزه در چهارچوبی از پیچیدگی‌های میدانی، سیاسی و ژئوپلیتیکی رقم خواهد خورد که متغیرهای اصلی آن عبارت‌اند از: توان نظامی و لجستیکی ارتش اسرائیل، میزان مقاومت و بازپایی توان گروه‌های فلسطینی، فشارهای داخلی جامعه اسرائیل برای پایان جنگ و ملاحظات راهبردی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی. ناکامی عملیات «ارابه‌های گید عون ۱» و آغاز «ارابه‌های گید عون ۲» نشان می‌دهد راهبرد نظامی صرف نتوانسته به اهداف کلان تل‌آویو در غزه پاسخ دهد و هزینه انسانی و سیاسی آن در حال تشدید است. در میان شش سناریوی پیش‌بینی‌شده، دورویکرد «اشغال – الحاق» و «حاکمیت مدنی جایگزین» بیشترین هم‌خوانی را با سیاست فعلی نتانیاهو دارند، اما هر دو با موانع شدید امنیتی و مشروعیتی مواجه‌اند. سناریوهای «مدیریت عربی – بین‌المللی» و «بازگشت تشکیلات خودگردان» از نظر بین‌المللی مقبول‌تر ولی از منظر سیاسی در اسرائیل و بخشی از فلسطینیان غیرقابل‌پذیرش هستند. «طرح ترامپ» به دلیل اهداف جمعیتی و هویتی، با مخالفت گسترده جهانی و منطقه‌ای روبه‌روست. در این میان، گرچه «توافق با حماس» در حال حاضر دور از ذهن به نظر می‌رسد، اما فرسایشی شدن جنگ، فشار افکار عمومی اسرائیل و ملاحظات انتخاباتی می‌تواند آن را به یک گزینه ناگزیر تبدیل کند. جمع‌بندی آن است که بدون یک راه حل ترکیبی از بازدارندگی امنیتی محدود، سازوکار سیاسی فراگیر و ابتکار عمل بین‌المللی، هیچ‌یک از این سناریوها به شکل پایدار و کم‌هزینه قابلیت تحقق کامل ندارند.